



# ۱۰۰۰ نکته کلیدی حقوق تجارت

تدوین:

غلامحسین ارشدی

---

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۵

---

نام اثر: ۱۰۰۰ نکته کلیدی حقوق تجارت

ناشر: چتر دانش

تدوین: غلامحسین ارشدی

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۴۳-۴

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین کوچه نوروژ پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: [nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

**تجارت ۱ - اشخاص تاجر و فعالیت‌های تجاری (مواد ۱ تا ۱۹ و ۳۳۵ تا ۴۱۲)**

**قانون تجارت مصوب (۱۳۱۱) ..... ۸**

دلالی ..... ۲۱

حق العمل کاری ..... ۲۶

عاملی ..... ۳۰

حمل و نقل ..... ۳۱

قائم‌مقام تجاری ..... ۳۴

ضمانت ..... ۳۶

**تجارت ۲ - شرکت‌های تجاری ..... ۳۸**

**(مواد ۹۴ تا ۲۲۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ و مواد ۱ تا ۳۰۰ لایحه اصلاح قسمتی از**

**قانون تجارت مصوب (۱۳۴۷) ..... ۳۸**

کلیات اشخاص حقوقی ..... ۳۸

انواع تقسیم بندی شرکت‌ها ..... ۴۲

۱- تقسیم بندی شرکت‌ها بر اساس نوع سرمایه (شرکت‌های سهام محور و شرکت‌های سهم  
الشکره محور) ..... ۴۲

۲- شرکت‌های موضوعاً تجاری و شرکت‌های شکلاً تجاری ..... ۴۳

۳- شرکت‌های ایرانی و شرکت‌های خارجی ..... ۴۳

۴- شرکت‌های سرمایه و اشخاص و مختلط ..... ۴۴

شرکت‌های سرمایه (مسئولیت محدود، سهامی عام و خاص، تعاونی) ..... ۴۴

شرکت اشخاص ..... ۴۵

شرکت‌های مختلط ..... ۴۷

۱- شرکت با مسئولیت محدود ..... ۴۸

۲- شرکت تضامنی ..... ۵۲

۳- شرکت نسبی ..... ۵۶

۴- شرکت مختلط غیر سهامی ..... ۶۰

۵- شرکت مختلط سهامی ..... ۶۲

۶- شرکت‌های تعاونی ..... ۶۴

شرکت تعاونی سهامی عام ..... ۷۰

شرکت تعاونی فراگیر ملی ..... ۷۱

## فهرست

۷۲	..... شرکت‌های سهامی عام و خاص
۷۵	..... سهام
۷۹	..... اوراق قرضه و مشارکت
۸۰	..... مجامع عمومی شرکت (مؤسس، عادی و فوق‌العاده)
۸۱	..... مجمع عمومی مؤسس
۸۲	..... مجمع عمومی فوق‌العاده
۸۲	..... مجمع عمومی عادی
۸۳	..... قواعد عمومی حاکم بر مجامع عمومی سه‌گانه
۸۶	..... جدول حد نصاب‌های تشکیل و تصمیم در مجامع و هیات مدیره شرکت سهامی
۸۶	..... هیات مدیره
۹۱	..... مدیرعامل
۹۲	..... معاملات ممنوعه مدیران و مدیرعامل
۹۲	..... گروه اول
۹۳	..... گروه دوم
۹۴	..... گروه سوم
۹۴	..... مسئولیت مدیران و مدیرعامل شرکت
۹۴	..... بازرس یا بازرسان
۹۶	..... تغییرات سرمایه شرکت (افزایش یا کاهش سرمایه)
۹۶	..... افزایش سرمایه
۹۹	..... کاهش سرمایه
۱۰۰	..... حساب‌های شرکت
۱۰۱	..... انحلال و تصفیه

### تجارت ۳ - اسناد تجاری (برات، سفته، چک) (مواد ۲۲۳ تا ۳۳۴ قانون تجارت

#### مصوب ۱۳۱۱ و قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲) ۱۰۵.....

۱۰۵	..... کلیات و مزایای حاکم بر اسناد تجاری
۱۱۲	..... شرایط شکلی صدور برات
۱۱۸	..... قبول و نکول برات
۱۲۱	..... قبول ثالث
۱۲۲	..... پرداخت توسط ثالث
۱۲۷	..... ضمانت در اسناد تجاری

## فهرست

۱۲۷	قواعد پرداخت اسناد تجارتي.....
۱۳۱	مواعد در اسناد تجارتي.....
۱۳۳	برات رجوعي و برات سازشي.....
۱۳۴	سفته.....
۱۳۵	چك.....
۱۳۹	اجراي ثبتي چك قانون صدور چك.....
۱۴۱	تعقيب كيفري چك قانون صدور چك.....

### تجارت ۴ - ورشكستگي (مواد ۴۱۲ تا ۴۷۵ قانون تجارت و قانون اداره ي تصفيه

#### امور ورشكستگي مصوب ۱۳۱۸) ..... ۱۴۴

۱۵۵	قرارداد ارفاقی.....
۱۵۷	ادامه فعاليت ورشكسته، توسط طلبكاران.....
۱۵۷	تفريغ حساب.....
۱۵۷	ترتيب تقسيم دارايي هاي تاجر.....
۱۵۹	انواع ورشكستگي.....
۱۵۹	دعواي استرداد.....
۱۶۰	اعاده اعتبار.....
۱۶۲	جداول.....
۱۶۲	جدول تطبيق نمايندگي هاي قانون تجارت با عقد و كالت.....



# سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## تجارت ۱ – اشخاص تاجر و فعالیت‌های تجاری

### (مواد ۱ تا ۱۹ و ۳۳۵ تا ۴۱۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱)

**نکته ۱:** حقوق تجارت به مجموعه‌ی قوانین، مقررات، عرف و نظریه‌ی حقوقدانان که حاکم بر معاملات تجاری و اشخاص تاجر است اطلاق می‌گردد. در حقوق تجارت اشخاص حقیقی یا حقوقی برای کسب درآمد مبادرت به انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌های مشخص تجاری می‌نمایند که بعضی از آن فعالیت‌ها همچون دلای، حق‌العمل‌کاری، قائم‌مقام تجاری و ضمانت در قانون تجارت و یا قوانین مرتبط تعریف شده و بعضی دیگر مانند عاملی در قانون تعریف نشده اند که توسط عرف بازار تجارت و نظریه حقوقدانان تعریف می‌گردند.

**نکته ۲:** در هر یک از شاخه‌های علم حقوق و قوانین مربوطه؛ همچون قانون اساسی، مدنی و کیفری مقنن در نخستین گام در پی پاسخ‌گویی به دو سوال اساسی است؛ سوال اول در خصوص قلمرو موضوعی و سوال دوم در خصوص قلمرو شخصی است. در واقع پاسخ به این دو سوال می‌تواند قلمرو حاکمیت یک قانون مشخص را تعیین نماید و اساساً تا این دو مشخص نگردند، ورود به مباحث و موضوعات بعدی صحیح نیست و موجب کج فهمی و سردرگمی خواهد شد. به همین مناسبت قانون‌گذار در نخستین مواد قانون تجارت (مواد ۱ تا ۵) در پی پاسخ‌گویی به دو سؤال کلیدی است که در تألیفات تمام مؤلفان حقوق تجارت نیز بدان پرداخته شده و این دو سوال عبارت اند از:

سؤال اول: کدام یک از فعالیت‌ها، فعالیت تجاری محسوب و ملاک شناسایی آن‌ها چیست؟ که پاسخ آن در ماده ۲ و ۳ قانون تجارت آمده است.

سؤال دوم: کدامیک از اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) تاجر نامیده می‌شوند و ملاک شناسایی ایشان چیست؟ که پاسخ آن در ماده ۱ قانون تجارت آمده است.

**نکته ۳:** هر یک از سؤالات فوق دارای پاسخ متفاوتی دارند و داوطلبان آزمون‌های گوناگون باید به‌صورت سؤال‌ها توجه نمایند تا بتوانند پاسخ صحیح را انتخاب کنند. پس باید توجه شود که مد نظر طراح سؤال این بوده است که چه فعالیتی تجاری است؟ (سؤال اول) و یا در مورد این بوده است که چه زمانی شخص تاجر است؟ (سؤال دوم)

**نکته ۴:** در پاسخ به این سؤال که چه زمانی فعالیتی تجاری است، دو رویکرد یا ملاک در نظام‌های حقوقی مختلف وجود دارد. رویکرد اول رویکرد موضوع محور است که در آن قانون تجارت فعالیت‌های محصور را نام برده و صرفاً اگر این فعالیت‌ها صورت پذیرد (بدون توجه به اینکه چه شخصی آن را انجام می‌دهد) این‌ها فعالیت تجاری محسوب می‌گردند که در ماده ۲ قانون تجارت ۱۳۱۱، قانون‌گذار نیز از همین شیوه بهره برده است. اما از آنجایی که ملاک موضوعی به تنهایی بیانگر محدوده و قلمرو و نیاز بازار عظیم حقوق تجارت نیست، رویکرد دوم که رویکردی شخص



محور است نیز در ماده ۳ قانون تجارت ۱۳۱۱ مورد توجه مقنن قرار گرفته است که طبق آن اگر شخصی تاجر محسوب گردد آن گاه اصولاً فعالیت‌های که وی انجام می‌دهد (به تبع شخصیت وی) تجارتي محسوب می‌شوند که به آن رویکرد یا ملاک شخصی، نسبی، تبعی، اعتباری نیز می‌گویند (تمام واژه‌های اخیرالذکر مترادف می‌باشند). پس برای پاسخ به این سؤال که کدام فعالیت‌ها تجارتي هستند دو ملاک در مواد ۲ و ۳ قانون تجارت ارائه شده است اول ملاک موضوعی و دوم ملاک شخصی. لذا در حقوق ایران از دو ملاک برای تعیین دامنه‌ی فعالیت‌های تجارتي بهره برده شده است؛ به همین علت می‌گویند ملاک تعیین قلمرو حقوق تجارت در حقوق ایران ملاک بینابین یا مختلط است.

**نکته ۵:** در پاسخ به این سؤال که چه اشخاصی تاجر هستند؟ بایستی به ماده ۱ قانون تجارت مراجعه نمود که اشاره می‌نماید: تاجر (اعم از حقیقی و حقوقی) شخصی است که شغل معمولی خود را، فعالیت‌های تجارتي (مندرج در ماده ۲) قرار می‌دهد. در واقع در ماده ۱ چند مفهوم وجود دارد که نیاز به بررسی و تعریف دارند؛ این مفاهیم عبارتند از شغل و فعالیت‌های تجارتي که در ادامه بدان‌ها می‌پردازیم.

**نکته ۶:** در تعریف شغل می‌توان گفت شغل عبارت است از فعالیت‌ی مستمر که به منظور کسب منفعت، سود، درآمد و یا امرامعاش صورت می‌پذیرد. گرچه ممکن است که فعالیت مستمر مربوطه علی‌رغم اینکه به منظور کسب سود انجام پذیرفته به سوددهی نرسد و حتی شخص را نیز متضرر گرداند.

**نکته ۷:** با توجه به هدف کسب سود در حقوق تجارت، فعالیت‌های عام‌المنفعه و خیریه در قلمرو حقوق تجارت قرار نمی‌گیرند. اگرچه ممکن است یک شرکت تجارتي یا یک تاجر فعالیت‌ی عام‌المنفعه نیز انجام بدهند. لذا اگر یک شرکت سهامی در کنار فعالیت‌های تجارتي خود امور خیریه ای نیز انجام دهد، اگرچه شرکت تاجر است اما فعالیت خیریه به هیچ وجه تجارتي نیست. در واقع بعضی فعالیت‌ها به هیچ وجه نمی‌توانند تجارتي باشند ولو توسط تاجر انجام پذیرند. برای مثال امور آموزشی، خیریه، نظامی و خرید و فروش اموال غیر منقول ولو توسط اشخاص تاجر حقیقی یا حقوقی انجام بشوند، به هیچ وجه تجارتي نبوده و نمی‌توان گفت چون تاجر این‌ها را انجام داده است به تبع شخصیت وی این فعالیت‌های تجارتي تبعی هستند.

**نکته ۸:** شخص حقیقی یا همان انسان طبیعی ناشی از تولد و شخص حقوقی یا همان شخصیت اعتباری و فرضی هر دو می‌توانند به‌عنوان تاجر مشمول ماده ۱ بوده و فعالیت‌های موضوعی ماده ۲ و شخصی ماده ۳ را انجام دهند. همچنین شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، مگر حقوق و تکالیفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - بنوت و امثال آن (مثل ازدواج و طلاق)

(ماده ۵۸۸ قانون تجارت)

**نکته ۹:** اشخاص حقوقی در حقوق تجارت به طور کلی در مواد ۵۸۳ تا ۵۸۷ قانون تجارت مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته‌اند که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن‌ها را به اشخاص حقوق خصوصی و اشخاص حقوق عمومی تقسیم کرد. اشخاص حقوق خصوصی عبارتند از شرکت‌های تجاری طبق ماه ۵۸۳ و مؤسسات غیرتجاری (انتفاعی و غیرانتفاعی) در ماده ۵۸۴ و اشخاص حقوق عمومی عبارتند از اشخاص مندرج در ماده ۵۸۷ که اعم است از شخصیت‌های دولتی و شخصیت‌های عمومی غیردولتی که در نکات مربوط به حقوق شرکت‌ها دقیق‌تر بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

**نکته ۱۰:** فعالیت‌های تجاری مندرج در ماده ۲ که به آن‌ها فعالیت‌های موضوعاً یا ذاتاً تجاری نیز اطلاق می‌شود در ۱۰ بند مورد توجه قانون‌گذار قرار دارند. این بندهای ۱۰ گانه ماده ۲ (فعالیت ذاتاً یا موضوعاً تجاری)، در مقابل بندهای ۴ گانه ماده ۳ (فعالیت‌های تجاری شخصی، نسبی، تبعی، اعتباری) قرار می‌گیرند. ماده ۲ و ۳ قانون تجارت در کنار هم، ملاک مختلط یا بینابین یا شخصی - موضوعی در حقوق تجارت ایران را تشکیل می‌دهند.

**نکته ۱۱:** دقت داشته باشید اگر فعالیت ذاتاً تجاری باشد دیگر اساساً این فعالیت نمی‌تواند تبعاً (نسبی، اعتباری، شخصی) تجاری باشد یعنی فعالیت یا ذاتاً تجاری است و یا تبعاً (یعنی به تبعیت از شخصیت تاجر) و حالتی متصور نیست که فعالیت هم ذاتاً تجاری باشد و هم تبعاً. پس داوطلبان محترم دقت نمایند به اینکه صورت سؤال راجع به اعمال تجاری ذاتی است و یا تبعی آن گاه پاسخ صحیح را انتخاب نمایند.

**نکته ۱۲:** فعالیت‌های ذاتاً (موضوعاً) تجاری مندرج در بندهای ده گانه ماده ۲ به ترتیب عبارتند از: ۱- خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره ۲- تصدی به حمل و نقل اشیاء و مسافر ۳- دلالی ۴- حق‌العمل‌کاری ۵- عاملی ۶- تصدی به تسهیل (دلالی) معاملات ملکی ۷- تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شوند ۸- تصدی به ساخت و بهره‌برداری از کارخانه ۹- تصدی به عملیات حراجی ۱۰- تصدی به نمایندگی عمومی ۱۱- معاملات برواتی ۱۲- عملیات بانکی ۱۳- عملیات صرافی ۱۴- عملیات بیمه ۱۵- ساخت کشتی، خرید و فروش کشتی و کشتیرانی.

**نکته ۱۳:** تحصیل مندرج در بند ۱ ماده ۲ عبارت است از عملیات مشروع حقوقی ارادی برای کسب مالکیت یک مال منقول، پس موارد نامشروع همچون غصب و سرقت و اموال ناشی از کلاهبرداری و همچنین موارد قهری و غیرارادی همچون ارث رسیدن اموال و مالکیت ما فی‌الذمه مشمول بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت نمی‌باشند.

**نکته ۱۴:** طبق بند ۱ ماده ۲ عمل خرید و تحصیل در صورتی ذاتاً تجاری است که همزمان با خرید یا تحصیل، قصد فروش یا اجاره آن نیز موجود باشد. به عنوان مثال، اگر آقای الف ماشینی را می‌خرد

و همان موقع قصد دارد تا آن را فروخته یا اجاره دهد و سود کسب کند عمل خرید وی ذاتاً تجارتي است. ولی اگر هنگام خرید خودرو قصد استفاده شخصی داشته است یعنی قصد فروش خودرو و تحصیل سود را نداشته باشد، دیگر عمل وی ذاتاً تجارتي نیست ولو اینکه بعداً قصد فروش یافته و ماشین را فروخته و سود نیز کسب کند.

**نکته ۱۵:** قانون گذار در بند ۱ ماده ۲ تنها از اموال منقول نام برده و نامی از اموال غیر منقول نیاورده است یعنی خرید یا تحصیل اموال غیر منقول به قصد فروش یا اجاره را ذاتاً تجارتي ندانسته است. همچنین به صراحت در ماده ۴ قانون تجارت، معاملات مربوط به اموال غیر منقول را غیر تجارتي محسوب نموده است. لازم به ذکر است که ماده ۴ اطلاق داشته و معاملات غیر منقول نه به شکل ذاتی و موضوعی و نه به شکل تبعی و نسبی و شخصی، تجارتي محسوب نمی گردند که از جمله علل آن جلوگیری از تسلط بیگانگان بر اموال غیر منقول و جلوگیری از ایجاد بازار سیاه املاک و مستغلات و نتیجتاً اقتصاد دلالی غیر منقول و کمک به سرعت در بازار تجارت بوده است چرا که نقل و انتقال اموال غیر منقول تابع تشریفات کند و فرسایشی بوده که با مصلحت سرعت در حقوق تجارت نیز متعارض است.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است اشاره شود؛ بیمه یا دلالی یا عملیات بانکی بر روی اموال غیر منقول عمل تجارتي ذاتی محسوب می شود. در واقع آنچه طبق ماده ۴ غیر تجارتي اعلام گردیده معامله ی خود مال غیر منقول است، در حالی که بیمه یا دلالی مال غیر منقول امور واسطه ای بر روی مال غیر منقول هستند.

**نکته ۱۶:** در یک تقسیم بندی فعالیت های ذاتاً تجارتي مندرج در ماده ۲ قانون تجارت به دو گروه فعالیت های بنگاهی (نیازمند به تصدی) و فعالیت های غیر بنگاهی تقسیم می گردند.

**نکته ۱۷:** فعالیت بنگاهی یا نیازمند تصدی به فعالیتی اطلاق می شود که در عین استمرار نیاز دارند تا محلی دائمی (بنگاه) به آن فعالیت اختصاص داده شود. یعنی جهت تجارتي محسوب شدن بایستی در محلی مشخص و به طور مستمر انجام پذیرند. پس می توان گفت مفهوم بنگاهی یا تصدی در بردارنده ی دو شرط است، شرط اول اختصاص محل (بنگاه) و شرط دوم انجام فعالیت به شکل مستمر. لذا فعالیت های بنگاهی با یکبار انجام شدن تجارتي محسوب نمی شوند. مثلاً طبق بند ۲ ماده ۲، فعل حمل و نقل برای اینکه ذاتاً تجارتي محسوب شود باید اولاً در قالب موسسه (بنگاه) باشد و ثانیاً به شکل مستمر انجام پذیرد. یعنی علاوه بر اختصاص محلی مشخص برای مرکزیت عملیات حمل و نقل، این عملیات و فعالیت باید به نحو مستمر انجام شود. پس اگر دارنده خوردو سواری یا کامیون، شخصاً و بدون دارا بودن بنگاه مبادرت به حمل و نقل نماید این فعالیت مصداق تصدی به محل و نقل مندرج در بند ۲ نبوده و فعالیت تجارتي محسوب نیست. از سوی دیگر بعضی

۱- تنها استثنایی که در این خصوص وجود دارد، ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها است. طبق ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها: انواع شرکت های تجارتي که به قصد تجارت، ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوعند.

اعمال مندرج در ماده ۲ غیر بنگاهی‌اند یعنی با یک‌بار انجام شدن تجارتي محسوب می‌گردند مثل خرید و فروش مال منقول به قصد فروش یا اجاره و یا معاملات برات که نیاز به اختصاص محل مشخص و استمرار ندارند. مثل صدور برات که حتی یک بار صدور آن عملیاتی ذاتاً تجارتي است که نه نیاز به استمرار و تکرار دارد و نیاز به دارا بودن محل مشخص یا بنگاه.

**نکته ۱۸:** فعالیت‌های نیازمند تصدی (اختصاص محل و استمرار) یا بنگاهی در ماده ۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ عبارتند از: ۱- حمل و نقل کالا یا مسافر ۲- تسهیل معاملات ملکی ۳- هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شوند. ۴- ساخت و بهره‌برداری از کارخانه ۵- عملیات حراجی ۶- نمایشگاه عمومی ۷- ساخت کشتی (مصدق کارخانه) و کشتیرانی (مصدق حمل و نقل). (خرید و فروش کشتی نیاز به تصدی ندارد.)

**نکته ۱۹:** راجع به بند ۱۰ ماده ۲ قانون در خصوص کشتی بایستی قائل به تفکیک شد چراکه ساخت کشتی مشمول بند چهار ماده ۲ است (کارخانه‌داری) و کشتیرانی نیز مشمول بند ۲ یعنی حمل و نقل بوده فلذا نیازمند تصدی هستند، اما چون کشتی مال منقول است خرید و فروش آن مشابه بند ۱ بوده و بدون نیاز به تصدی و تکرار عملی ذاتاً تجارتي است.

**نکته ۲۰:** فعالیت‌های غیر بنگاهی که نیاز به تصدی ندارند طبق ماده ۲ قانون تجارت عبارتند از: ۱- خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره ۲- دلالی (به معنای عام) ۳- حق العمل‌کاری ۴- عاملی ۷- معاملات برواتی ۸- عملیات بانکی ۹- عملیات صرافی ۱۰- عملیات بیمه ۱۱- خرید و فروش کشتی.<sup>۱</sup>

**نکته ۲۱:** در سؤالات آزمون‌ها دقت داشته باشید که اگر سؤال شده باشد کدام فعالیت با یک بار انجام شدن تجارتي است پاسخ فعالیت‌های غیر بنگاهی است و اگر سؤال شده باشد کدام فعالیت‌ها برای تجارتي محسوب شدن نیاز به تکرار دارند پاسخ فعالیت‌های نیازمند تصدی و بنگاهی می‌باشد. پس ضروری است تا مفهوم تصدی و موارد نیازمند به تصدی (عملیات بنگاهی) را فراگرفته و حفظ نمایید.

**نکته ۲۲:** تقسیم‌بندی دیگر در ماده ۲ تقسیم‌بندی فعالیت‌های ذاتی مندرج در ماده ۲ به اصلی و حکمی است. فعالیت‌های ذاتی اصلی عبارتند از بند ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹ و ۱۰ که بالذات مولد ثروت هستند و ارزش اقتصادی دارند و تنها یک مورد در ماده ۲ وجود دارد که وسیله پرداخت بوده و خود مولد ارزش یا ثروتی نیست اما قانون‌گذار به علت استفاده زیاد از آن (برات) بین تجار و اهمیت آن در بازار تجارت علی‌رغم اینکه ذاتاً تجارتي نیست آن را در حکم اعمال ذاتی تجارتي آورده است و به آن (برات) عمل تجارتي ذاتی حکمی یا حکماً تجارتي اطلاق می‌گردد. (بند ۸

۱- در عمل عملیات بانکی و بیمه ای، طبق قانون پولی و بانکی و قوانین بیمه ای، در قالب شرکت‌های بانکی و بیمه انجام می‌گیرد، لذا این فعالیت‌ها شرکتی هستند یعنی در قالب بنگاه انجام می‌گیرند و بایستی آن‌ها را فعالیت‌های تجارتي ذاتی بنگاهی تلقی کرد. منتها در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ آن‌ها جز عملیات بنگاهی قلمداد نشده و تا کنون نیز در این خصوص سوالی مطرح نشده است.

ماده ۲ قانون تجارت)

**نکته ۲۳:** تقسیم‌بندی دیگر اعمال تجارتي، تقسیم این اعمال به توزیعی، خدماتی و تولیدی است. برای مثال کارخانه و کشتی‌سازی تولیدی می‌باشند ولی دلالی و حق‌العمل‌کاری و عاملی و نمایشگاه و حراجی و صرافی و بانکی و بیمه‌ای و حمل‌ونقل توزیعی، خدماتی هستند اهمیت این تقسیم‌بندی در بحث کسبه جزء مطرح است چراکه کسبه جز به دو گروه تولیدی و توزیعی خدماتی تقسیم می‌گردند.

**نکته ۲۴:** اگر فعالیتی مشمول عملیات ذاتاً تجارتي ماده ۲ قرار نگیرد برای تجارتي تلقی شدن آن بایستی به ماده ۳ مراجعه نمود. طبق ماده ۳ در صورتی که شخص تاجر محسوب گردد (خواه به علت ثبت‌نام در دفتر ثبت‌نام تجارتي تاجر و خواه به علت رویه عملی و عرف) آنگاه هر فعالیتی که وی انجام می‌دهد به تبع شخصیت وی، تجارتي محسوب می‌شود. این دسته از فعالیت‌ها ذاتاً و مستقلاً تجارتي نیستند بلکه چون توسط تاجر انجام می‌شوند تبعاً تجارتي هستند. در واقع این اعمال اگر توسط اشخاص مدنی غیر تاجر انجام شوند تجارتي نیستند و تنها در صورت انجام توسط تاجر تجارتي هستند. مصداق و مثال بارز در این زمینه، چک و سفته است چراکه این‌ها عمل ذاتاً تجارتي نیستند اما اگر توسط تاجر استفاده شوند تبعاً تجارتي محسوب می‌شوند. (در مقابل، اعمال ماده ۲ ذاتاً تجارتي هستند و ممکن است توسط تاجر یا غیر تاجر انجام شوند اما باز هم تجارتي هستند چون تجارتي بودن در ذات آن‌ها است و بستگی به شخصی که آن‌ها را انجام می‌دهد ندارد. مثلاً برات خواه توسط تاجر و خواه توسط غیر تاجر صادر شود عملی است ذاتاً تجارتي اما چک و سفته در صورتی تجارتي هستند که توسط تاجر استفاده شوند.)

**نکته ۲۵:** اعمال تجارتي تبعی (نسبی، اعتباری، شخصی) مندرج در ماده ۳ عبارتند از: ۱- کلیه معاملات میان تاجر ۲- کلیه معاملات بین تاجر با غیر تاجر که برای رفع حوائج تجارتي باشد. ۳- کلیه معاملاتی که نمایندگان و زبردستان به نمایندگی و برای امور تجارتي تاجر انجام می‌دهند. ۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجارتي.

**نکته ۲۶:** در بند ۱ ماده ۳ علاوه بر تاجر، از واژه کسبه و صرافان و بانک‌ها نام برده است که حشو و زائد است چرا که کسبه و صرافان و بانک‌ها نیز خود تاجرند و این تاکید قانون گذار بلا اثر است. در واقع اگر همان لفظ تاجر را به کار می‌برد برای القای مفهوم کفایت می‌کرد. پس عبارت کسبه و صرافان و بانک‌ها خصوصیتی ندارد و داوطلبان توجه نمایند که قانون گذار جهت تاکید بیش تر و از باب مثال آن‌ها را آورده است یعنی می‌توانست سایر فعالیت‌های تجارتي مثل دلالی و حق‌العمل‌کاری و نمایشگاه داری و غیره را نیز بیاورد و هیچ فرقی میان این موارد نیست چراکه همگی مصداق تجارتنند و کسی که آن‌ها را شغل خود قرار دهد تاجر است.

**نکته ۲۷:** از منظر حقوق تجارت، حوائج شخصی، یا خانوادگی است یا کاری (تجارتي)، که در بند ۲

# مجموعه نکات کلیدی ویژه آزمون های حقوقی

